

## سنجش کیفیت زندگی در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی (نمونه مطالعاتی: محدوده شرق کال عیدگاه سبزوار)

سعید حسین عبادی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

شهریار روستایی

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

محمد یانگ غروی

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۵/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۲۲

### چکیده

رویکردهای جدید در برخورد با مسئله اسکان غیر رسمی حاکی از آن است که دولت‌ها باید تلاششان در جهت بهبود کیفیت زندگی سکونت‌گاه‌های فقیرنشین کنونی در کنار پیش‌گیری از شکل‌گیری و گسترش کانونهای جدید باشد. از این رو باید مطالعه و سنجشی همه‌جانبه از شرایط زندگی با معیارهای علمی صورت گیرد تا بر پایه چنین شناختی، برنامه‌ریزی برای بهبود شرایط زندگی صورت گیرد. با توجه به اهمیت سنجش کیفیت زندگی و ارتقاء آن، در این تحقیق سعی گردیده تا کیفیت ذهنی زندگی منطقه اسکان غیر رسمی شرق کال عیدگاه سبزوار مورد سنجش و تحلیل قرار گیرد. رویکرد کلی این تحقیق توصیفی-تحلیلی، روش گردآوری داده‌ها، ترکیبی از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای، شیوه نمونه‌گیری، تصادفی ساده، حجم نمونه ۱۳۰ نفر، روش تحلیل داده‌ها، آزمون T تک نمونه‌ای، ضریب همبستگی پیرسون و لاندا می‌باشد. نتایج بیانگر این است که کیفیت زندگی ساکنین در بعد اجتماعی بالاتر از حد متوسط اما در ابعاد اقتصادی و کالبدی-محیطی پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد. در مجموع نیز سطح کیفیت زندگی پایین می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** کیفیت زندگی، سکونت‌گاه‌های غیر رسمی، محدوده شرق کال عیدگاه سبزوار.

## مقدمه و طرح مسئله

در دهه گذشته (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰) جمعیت شهری جهان سوم ۱.۲ درصد در هر هفته رشد داشته است این رقم تقریباً چیزی کمتر از رشد جمعیت یک سال اروپاست (Un-Habitat, 2012, 28). قسمت عمده این رشد، به دلیل مهاجرت‌های شدید از روستا به شهر بوده که با وخیم‌تر شدن اوضاع در روستاها، روستاییان فقیر به این امید که نواحی شهری وسیله‌ای برای بهبود کیفیت زندگی و کیفیت محیطشان در کنار بهبود شغل و درآمدشان است، مهاجرت قابل توجهی از روستا به شهر مخصوصاً در سه دهه گذشته را شکل بخشیده‌اند (www.gdrc.org). اما واقعیت امر این است که شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه که مهاجرت روستایی - شهری و تمرکز خدمات در شهرهای بزرگ هیچ انتخابی برای مهاجران فقیر نگذاشته جز اینکه سرپناهای غیر رسمی شخصی شان را بسازند و توسعه دهند، بیشتر مسئله آفرین بوده است (Tag-Eldeen, 2005). این سرپناهای غیر رسمی و محلات فقیر نشین تبدیل به مسئله مهم شهرنشینی کنونی مخصوصاً در جهان سوم شده است. به طوریکه اخیراً بیش از یک میلیارد نفر در محله‌های فرودست شهری جهان زندگی می‌کنند. علی‌رغم گذر سهیم جمعیت شهری دنیا از نصف کل جمعیت در سال ۲۰۰۷، هنوز یک نفر از سه نفر در مسکن نامناسب بدون خدمات یا خدمات کم زندگی می‌کنند. پیش بینی‌ها حاکی از آن است که بدون تغییر اساسی در سیاستها ۴۰۰ میلیون دیگر تا سال ۲۰۲۰ به جمعیت این محلات افزوده می‌شود و جمعیت این مکانها به ۱.۴ میلیارد می‌رسد. اطلاعات بهبود یافته برای مقابله با چالشهای مطرح شده در اهداف توسعه هزاره<sup>۱</sup> ضروری است. مخصوصاً هدف کلی ۷ هدف مشخص ۱۱ که اعضای سازمان ملل را ملزم کرده است که تا سال ۲۰۲۰ بهبودی چشمگیر در زندگی بیش از حداقل ۱۰۰ میلیون ساکن محلات فقیرنشین ایجاد کنند؛ اهمیت بهبود کیفیت زندگی این محلات را بیشتر نمایان می‌سازد (Martinez, et al, 2008, 86).

از این رو دولت‌ها باید تلاششان در جهت بهبود کیفیت زندگی سکونت‌گاه‌های فقیرنشین کنونی در کنار پیش‌گیری از شکل‌گیری و گسترش چنین کانونهایی باشد. از این رو باید مطالعه و سنجشی همه‌جانبه از شرایط زندگی با معیارهای علمی صورت گیرد تا بر پایه شناختی همه‌جانبه برنامه‌ریزی برای بهبود شرایط زندگی صورت گیرد. در این بین معیار کیفیت زندگی می‌تواند یاری‌گر نیل به چنین هدفی باشد چرا که مفهومی چندجانبه است که جوانب مختلف زندگی انسانی را پوشش می‌دهد.

در کل برآورد کیفیت زندگی در جنبه‌های مختلف به سیاستگذاران اجازه خواهد داد که مشخص نمایند در سطوح محلی و ملی کدام نواحی شهری شرایط نامساعدی دارند و تعیین کنند که چه اعمالی برای بهبود کیفیت زندگی در همان نواحی مفیدتر است (Robalino, et al, 2008, 1). بنا به اهمیت وافر کیفیت زندگی در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، یافته‌های مطالعاتی که تلاش در سنجش کیفیت زندگی در مکانهای خاص دارند؛ با توجه روزافزون همراه است (OKTAY, 2010, 27).

<sup>۱</sup> Millennium Development Goals (MDG).

حال با توجه به اهمیت این بحث، مقاله حاضر سعی دارد سطح کیفیت زندگی در یکی از کانونهای اسکان غیر رسمی شهر سبزوار یعنی محله شرق کال عیدگاه واقع در شرق شهر سبزوار را مورد سنجش قرار دهد. لازم به توضیح است شهر سبزوار با حدود ۲۱۰ هزار نفر جمعیت (سال ۱۳۸۵) قریب به ۳۰ هزار نفر حاشیه نشین را در ۵ کانون متفاوت در خود جای داده است و با توجه به حجم جمعیتی ساکن در این سکونت‌گاه‌ها و وسعتی که این محلات به خود اختصاص داده اند جزو آن دسته از شهرهایی است که به صورت گسترده و جدی با این چالش روبروست.

در این تحقیق، سوال اصلی این است که کیفیت ذهنی زندگی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی-محیطی محله شرق کال عیدگاه در چه حدی است؟ فرضیه اصلی تحقیق این است که:

به نظر می‌رسد سطح کیفیت زندگی در محله شرق کال عیدگاه پایین تر از حد متوسط است.

فرضیات فرعی که هر کدام یک بعد کیفیت زندگی را مد نظر دارد به قرار زیر است:

الف) به نظر می‌رسد سطح کیفیت محیط اجتماعی (امنیت، روابط اجتماعی، تعلق محله ای و...) در محله شرق کال عیدگاه پایین تر از حد متوسط است.

ب) به نظر می‌رسد سطح کیفیت اقتصادی زندگی خانوارهای ساکن در محله مورد مطالعه پایین تر از حد متوسط است.

پ) به نظر می‌رسد سطح کیفیت کالبدی-محیطی محله شرق کال عیدگاه پایین تر از حد متوسط است.

#### پیشینه تحقیقاتی

مطالعات در مورد کیفیت زندگی شهری در شهرها و کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و در حال صنعتی شدن جدید، از دهه ۱۹۷۰ به بعد مورد توجه جدی قرار گرفته است. تحقیقات و تلاش‌های پیشین در این زمینه از دانش پژوهان غربی (مثل کمپ بل، کاورز و رودگرز در سال ۱۹۷۶، گرین، وروف و فلد در سال ۱۹۶۰ و...) که در رشته‌های مختلفی از قبیل جامعه‌شناسی و روانشناسی مشغول فعالیت بودند آغاز شده است. پژوهشگران مختلف در این مطالعات سعی داشتند که مفاهیم و اجزای کیفیت زندگی را تعریف کنند و بر این اساس نواحی مختلف جغرافیایی از قبیل شهرها، ایالت‌ها، استان‌ها و ملت‌ها را از طریق به کارگیری این شاخص‌ها مقایسه کنند و مورد ارزیابی قرار دهند. از جمله متفکرانی که در این عرصه فعالیت کردند می‌توان به لویی، بویر و ساواکی، استور و غیره اشاره کرد. علاوه بر این پژوهشگران، نهادها و موسسات بین المللی مختلفی وسایل و ابزارهای اندازه گیری کیفیت زندگی را بهبود بخشیده‌اند (کوکبی و همکاران، ۱۳۸۴). اخیراً تلاش‌هایی در زمینه تعریف سنجش علمی کیفیت زندگی صورت گرفته است. بیشتر سنجش‌های ذهنی جامع کیفیت زندگی از مطالعه ارزش‌های جهان<sup>۱</sup>، که در ۵۴ کشور دنیا مورد توجه قرار گرفته است می‌باشد. سنجش جدیدتر کیفیت زندگی، ترکیبی از جنبه‌های عینی و

<sup>۱</sup> World Values Survey

ذهنی است. در سال ۲۰۰۳ آژانس محیطی اروپا، ۸ حوزه وضعیت زندگی شخصی را برای ۲۵ عضو اتحادیه اروپا مشخص کرد این حوزه‌ها شامل وضعیت اقتصادی، مسکن و اشتغال، توازن کار-زندگی، سلامت، رفاه (بهبودی) ذهنی و کیفیت زندگی ادراکی است. منبع انسانی بین المللی، موسسه «مرکز» بر کیفیت زندگی تاکید می‌کند و معیارهایی مثل دسترسی به کالای مصرفی، محیط اقتصادی، محیط‌های طبیعی، سیاسی و اجتماعی و نیز تسهیلات تفریحی و اوقات فراغت را معرفی می‌کند (Un-Habitat, 2012, 60). سوندری (۲۰۰۳) کیفیت زندگی خانوارهای مهاجر را در زاغه‌های شهری مورد سنجش قرار داده است. در این تحقیق وی بیشتر شاخص‌های عینی کیفیت زندگی که از طریق آمار مربوط به وضع زیرساخت‌ها، امکانات، بهداشت، درآمد و... است را مورد استناد قرار داده است (Sundari, 2003, 537-552). ریچاردز و همکاران (۲۰۰۷) کیفیت زندگی در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی در چند شهر آفریقای جنوبی را در حوزه‌های مسکن و خدمات پایه، تسهیلات و امکانات عمومی، ادراکات مربوط به تغییر در نواحی مسکونی غیررسمی، رضایت از زندگی، اوقات فراغت، مسائل روزمره و بیکاری مورد مطالعه قرار داده اند (Richards at el. 2007, 375-388). اوکنای، در مطالعه خود از شاخص‌های عینی و ذهنی در حوزه‌های زندگی خانوادگی، دوستان، سلامت، تحصیل و شغل، استانداردهای زندگی، اوقات فراغت و مسکن جهت سنجش کیفیت زندگی محله ای بهره برده است و طبق نتایج خود، پیشنهادهایی را برای استفاده برنامه‌ریزان و سیاستگذاران ارائه کرده است (Oktay, 2010). گوینداجارو (۲۰۱۲) کیفیت زندگی زنان زاغه نشین در شهر منگلور<sup>۱</sup> هند را در ابعاد فیزیکی، روانشناسی، سطح وابستگی، پیوند اجتماعی، محیطی و عقاید شخصی و مذهبی مورد بررسی قرار داده است. نتایج سطح پایین کیفیت زندگی افراد مورد مطالعه را نشان می‌دهد (Govindaraju. B.M, 2012). لانرواجو آمانو (۲۰۱۲) در تحقیق خود از بین ابعاد کیفیت زندگی، بیشتر کیفیت مسکن در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی نیجریه را مورد تاکید قرار داده است و عوامل موثر بر کیفیت مسکن را مورد کنکاش قرار داده است. وی مشارکت اجتماع محلی را در ارتقاء سکونتگاه و کیفیت مسکن سکونت‌گاه‌های غیر رسمی موثر می‌داند (Lanrewaju A. 2012, 68-80).

در ایران نیز تحقیقات متعددی در حوزه کیفیت زندگی شهری صورت گرفته است. از آنجمله می‌توان به تحقیق رضوانی و همکاران (۱۳۸۸) اشاره کرد که توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری در شهر نورآباد، استان لرستان با استفاده از شاخص‌های عینی و ذهنی را مد نظر قرار داده اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۱۰-۸۷). غیاثوند (۱۳۸۸) در تحقیقی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری پرداخته است. بر اساس نتایج این تحقیق، بین سرمایه اجتماعی و ارزیابی افراد از کیفیت محیط کالبدی (بعد ذهنی کیفیت زندگی) رابطه مثبت وجود دارد. همچنین سرمایه اجتماعی با متغیرهای احساس تعلق به محله و رضایتمندی از محله نیز رابطه مثبت وجود دارد (غیاثوند، ۲۷، ۱۳۸۸-۲۲). رفیعیان و همکاران نیز بر اساس میزان رضایتمندی یا نارضایتمندی ساکنان، وضعیت کیفیت محیط سکونت در شهرک اکباتان تهران مورد سنجش قرار گرفته است (رفیعیان و همکاران،

<sup>۱</sup> Mangalore

۱۳۸۹، ۶۳-۱۳۸۹). علی اکبری و امینی (۱۳۸۹) تغییرات کیفیت زندگی شهری ایران را طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ بر مبنای شاخص‌های عینی، نخست در قالب روندها، توصیف و تبیین و سپس در مقایسه با تحولات شهرنشینی، تحلیل کرده‌اند (علی اکبری و امینی، ۱۴۸، ۱۳۸۹-۱۲۱).

مبانی نظری:

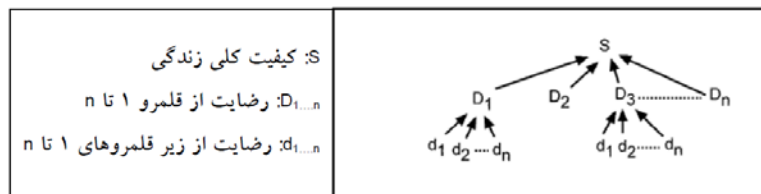
### الف) کیفیت زندگی شهری

به طور کلی هدف از مطرح کردن مفهوم کیفیت زندگی شهری، اصلاح و تکامل مفهوم توسعه از توسعه صرف کمی به توسعه پایدار شهری بوده است (کوکبی و همکاران، ۱۳۸۴، ۵). به کارگیری این مفهوم در واقع واکنشی علیه توسعه تک بعدی اقتصادی در سطح ملی و توسعه‌ی صرفاً کالبدی در مقیاس شهری و تلاشی است در جهت دستیابی به معیارهای جامع‌تر و چند بعدی در عرصه‌ی برنامه‌ریزی (مهدی زاده، ۱۳۸۵، ۴۶). طبق نظر روبرت کوزتانزا - اقتصاددان اکولوژیکی: در حالیکه کیفیت زندگی یک هدف سیاستی ضمنی یا صریح است تعریف و سنجش کافی اغفال کننده است. شاخص‌های ذهنی و عینی دامنه‌ای از رشته‌ها و مقیاس‌ها را شامل می‌شود (Costanza, R. et al. 2008)

گری سن و یونگ (۱۹۹۴) اشاره می‌کنند که ظاهراً یک توافق و اجماع وجود داشته باشد که در تعیین کیفیت زندگی دو سری بنیادی از اجزاء و فرایندها در تعامل می‌باشند: آن‌هایی که به یک فرایند روان شناختی داخلی وابسته‌اند و یک احساس رضایت مندی و یا کامروایی را ایجاد می‌کنند و آن‌ها که شرایط بیرونی هستند و فرآیندهای داخلی را بر می‌انگیزند. راجع به بعد اول، عبارات دیگری بکار رفته‌اند، مثلاً: کیفیت زندگی انفرادی / شخصی، رفاه و خوشبختی ذهنی و درونی یا رضایت از زندگی. برای بعد دوم عبارات و سطوح مختلفی به کار رفته‌اند، مثلاً کیفیت زندگی شهری، کیفیت زندگی اجتماعی، کیفیت مکان و کیفیت زندگی محیطی (لطفی، ۱۳۸۸، ۶۹). نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که کیفیت زندگی نباید با مفهوم استاندارد زندگی که بر پایه اولویت درآمد است، اشتباه گرفته شود. کیفیت زندگی نه تنها شامل ثروت و اشتغال است بلکه همچنین محیط انسا ساخت، سلامت جسمی و روانی، آموزش، تفریح و اوقات فراغت و تعلق اجتماعی را نیز شامل می‌شود (Derek, 2009, et al). همچنین مفهوم کیفیت زندگی هر چند در درون مفهوم گسترده‌تر توسعه پایدار جای می‌گیرد و همانند توسعه پایدار، شامل به هم پیوستگی توسعه اقتصادی، سرزندگی اجتماعی و سلامت محیطی است. یک تفاوت عمده با آن دارد. توسعه پایدار به اهمیت برابری بین نسلی اشاره دارد در حالیکه کیفیت زندگی یک مفهوم ضمنی است (Hardi and Pinter, 2006, 127).

به طور کلی از تحقیقاتی که درباره کیفیت زندگی انجام شده دو رویکرد کاملاً مجزا در کشورهای مختلف دنیا به وجود آمده است، اول: رویکرد اسکاندیناوی که در اکثر کشورهای اروپایی به ویژه کشورهای اسکاندیناوی طرفدار دارد و جان «درینوسکی» و «ریچارد تیموس» آن را ابداع کرده‌اند. در این رویکرد بر شرایط عینی زندگی و معرف‌های مرتبط با آن تاکید شده است و کیفیت زندگی افراد در گرو ارضای نیازهای اولیه زندگی است و دوم: رویکرد آمریکایی است که در بیشتر تحقیقاتی که در کشور آمریکا روی کیفیت زندگی انجام شده است وجود دارد. در این رویکرد محققان بیشتر به تجربه‌های ذهنی افراد از زندگی‌شان توجه کرده و بر معرف‌های ذهنی تاکید کرده‌اند.

از اثرگذاران بر این رویکرد می‌توان به روانشناس اجتماعی «دبلیو ای توماس» اشاره کرد. در این رویکرد از رضایتمندی و خوشبختی به عنوان معرفهای اصلی سنجش یاد می‌شود (غیاثوند، ۱۳۸۸، ۲۴). بعد ذهنی کیفیت زندگی به عنوان درکی شخصی از موقعیت افراد در زندگی در داخل سیستم‌های ارزشی و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند و در رابطه با اهداف، توقعات، استانداردها و علایقشان تعریف می‌شود. (B.M,2012,1). کیفیت ذهنی زندگی به روش‌های مختلفی قابل اندازه‌گیری است. در یکی از مهمترین روشها، کیفیت ذهنی زندگی می‌تواند میزان تجمعی از سطح رضایت در قلمروهای مختلف زندگی باشد. بر اساس این روش، زندگی به قلمروهای مختلفی تقسیم شده و ترکیب میزان رضایت حاصل از هر یک از قلمروها، کیفیت کلی زندگی را نشان می‌دهد. این روش را می‌توان به صورت تصویری در شکل (1) مشاهده کرد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸، ۹۴).



شکل شماره ۱- کیفیت ذهنی زندگی به عنوان ترکیبی از مؤلفه‌های رضایت در قلمروهای مختلف زندگی

(Pacione, 2003:24 به نقل از رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸، ۹۴)

در کنار دو رویکرد فوق، رویکردهایی نیز وجود دارد که هم بر ابعاد عینی و هم ذهنی زندگی تاکید می‌کنند که برای نمونه می‌توان به روشهای اقتصادی- اجتماعی ارزیابی کیفیت زندگی اشاره کرد (غیاثوند، ۱۳۸۸، ۲۴). اما غالباً این رویکردها (ذهنی و عینی) به طور مجزا از همدیگر و به ندرت در ترکیب با هم برای سنجش کیفیت زندگی شهری به کار می‌روند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸، ۹۴).

بنا بر آنچه گفته شد اصولاً کیفیت زندگی شهری واژه‌ای پیچیده و چند بعدی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت در یک مقیاس جغرافیایی خاص است که هم متکی به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص‌های عینی یا کمی است. کیفیت زندگی شهری دربرگیرنده‌ی ابعاد روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می‌گیرد. دربرخی موارد رضایت اجتماعی نیز نامیده می‌شود. همچنین ابعاد محیطی که دربرگیرنده سنجه‌هایی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی است. جنبه‌های دیگر دربرگیرنده توجه به فرصت‌های اجتماعی، امیدهای اشتغال، ثروت و اوقات فراغت است (سیف الدینی، ۲۹، ۸۱) می‌توان گفت کیفیت زندگی عمل‌گرایی شهرها را پشتیبانی می‌کند و دامنه‌ای از مفاهیم را شامل می‌شود. موقعی که یک شهر اشتغال، رشد اقتصادی، طراحی ساختمان‌ها و فضاهای عمومی، حمل و نقل عمومی را ارتقاء می‌دهد، در واقع کیفیت زندگی را هم برای استفاده کنندگان و هم برای سایرین بهبود می‌بخشد. موقعی که سطوح آموزش و سلامت کالا را ارتقاء می‌بخشد کیفیت زندگی را برای آینده قابل پیش بینی تامین می‌کند و موقعی که یک شهر استفاده از منابع محیطی را کاهش می‌دهد و کارایی انرژی را افزایش می‌دهد در حقیقت کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد (Un-Habitat, 2012, 60).

### ب) سکونت‌گاه‌های غیر رسمی، کیفیت زندگی و طرز نگاه‌ها نسبت به آن

سکونت‌گاه‌های غیر رسمی در کشورهای جهان سوم از یک طرف راه حلی برای مسئله مسکن خانوارهای کم درآمد ارائه می‌دهد اما از سوی دیگر یک سطح کم کیفیت زندگی را برای ساکنین عرضه می‌کند و مسائلی را برای بقیه شهر ایجاد می‌کند (Rojas, 2009, xvi). نشانه‌های کیفیت پایین زندگی این اجتماعات را می‌توان در سطح پایین سواد، مخصوصاً در زنان و سهم بالای مهاجرین در کل جمعیت ساکن (هادی زاده، ۱۳۸۲، ۲۰) دسترسی نامناسب و حداقل به امکانات و تسهیلات شهری (مانند آب لوله کشی، برق، شبکه گاز و تلفن)، تراکم بالا و رشد زیاد جمعیت، بهداشت نامناسب محیط، سیستم آبرسانی نامناسب، ایجاد واحدها، بدون رعایت معیارهای فنی، روشنایی نامناسب معابر، فقدان پوشش در معابر و کمبود و فقدان فضاهای آموزشی و مراکز بهداشتی (محمدی، ۱۳۷۸، ۱۸۰-۱۸۷) کم دوام و ابتدایی بودن مصالح اکثر ساختمان‌ها (Taleshi, 2009, 1236). رشد خودانگیخته (بدون برنامه‌ریزی و اعمال قوانین) چهره فضایی خاص - به سبب قرار گیری در مرکز یا حاشیه شهر (liu, 2009, 99) اشتغال در بخش غیر رسمی اقتصاد، اتکا به منابع محلی و درآمد خانوار، فعالیت محدود و کم، مهارت‌های اکتسابی خارج از نظام رسمی، عدم تشخیص در فعالیت‌ها به معنای فنی آن، تکنولوژی کاربر و قابل انطباق (محمدی، ۱۳۷۸، ۱۸۰-۱۸۷) مشاهده نمود. مردم ساکن در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی در محیطی به سر می‌برند که دائم در حال تغییر است. مدیران و برنامه‌ریزان شهری باید راه‌هایی برای افزایش کیفیت زندگی ساکنان سکونت‌گاه‌های غیر رسمی پیدا کنند. نقطه کانونی نشانه گرفتن این مسائل، اتخاذ رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی است که در آن بر پایه دانش ارزش‌های اجتماع محلی، ادراکات و نیازهای آنان شناخت و عمل صورت گیرد (Ballantyne, and Oelofse, 1999, 203). در جهت بهبود کیفیت زندگی برای ساکنان سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و محلات پیرامون آنها، دولت‌ها و آژانس‌های یاریگر توسعه بین المللی علاقه روزافزونی به برنامه‌های ارتقاء سکونتگاه دارند. هدف توسعه هزاره<sup>۱</sup> بهبود معنی دار زندگی حداقل ۱۰۰ میلیون زاغه نشین تا سال ۲۰۲۰ است. با افزایش سطوح سرمایه گذاری، تعداد و تنوع برنامه‌ها جهت هدف قرار دادن مسائل پیش روی جمعیت‌های ساکن در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی رو به افزایش است. دوام برخی مسائل و ظهور چالش‌های جدید - در نتیجه عمیق شدن گرایش‌های جدید و راه‌های جدید اقتصادی و اجتماعی - منجر به این شده که طراحان و مجریان دامنه وسیعی از برنامه‌های نوآورانه را خلق کنند (Rojas, 2009, xvi).

توجه به بهبود شرایط زندگی در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و محلات فقیر نشین از لحاظ نظری مدیون دیدگاه‌های اصلاح طلبانه و رفورمیستی است. در نگرش اصلاح طلبانه هر چند ضرورت برقراری عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای را (برای تامین مسکن همگانی و کاهش مهاجرت‌های ناشی از فقر مناطق) باور دارد، اما برای کوتاه و میان مدت به حل مشکل از طریق قبول واقعیت آن و پرداختن به توان‌های موجود در آن کوشش می‌کند و بیش از اصرار بر تغییری ناگهانی در سطح کلان، تحولی تدریجی در سطوح خرد را چاره ساز می‌داند. بنابراین طبق این رهیافت،

<sup>1</sup> The Millennium Development Goal

نباید پرداختن به راه حل‌های ساختاری به قیمت غفلت از رنج و فقر موجود در این اجتماعات تمام شود. در مجموع، این نگرش عقیده دارد که اجتماعات سالم و سکونت‌گاه‌های مطلوب باید بر پایه سکونت‌گاه‌های موجود شکل بگیرند، و گرنه تصور ساختن آرمان‌شهری نو، یا هرگز عملی نیست و یا در ویتترین برای معدودی باقی مانده و راه حلی فراگیر نیست (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷۰). این در حالی است که سایر دیدگاه‌ها و مکاتب نظری مهم دیگر از جمله محافظه‌کاری، لیبرالیسم و رادیکالیسم عقیده ای متفاوت نسبت به اصلاح طلبان در مواجهه با سکونت‌گاه‌های غیر رسمی داشته‌اند. در دیدگاه محافظه کارانه سکونتگاه غیررسمی غده‌ای چرکین بر بدن شهر است که باید برچیده شود از این رو ریشه کنی پدیده، سفارش می‌شود و به مسائل به گونه ای نگاه می‌شود که چاره ای جز تخریب و راه اندازی بولدزرها برای حفظ امنیت به نظر نمی‌رسد (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷۰). لیبرال‌ها عمدتاً با واگذاری مسئله و مشکل سکونت‌گاه‌های فقیرنشین به بازار آزاد و سیر تکاملی سرمایه داری، سیری تکراری و الگوی تقلیدی برای توسعه در کشورهای در حال توسعه را در نظر دارند و بنابراین اعتقاد به حل مسئله در جریان توسعه دارند (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۲۰۱). از نظر آنان این مشکل جزئی از مراحل توسعه کشورهاست که به مرور زمان حل می‌شود. پس نیازی به مداخله برای حل آن نیست (رها سازی پدیده به جای حل آن). رادیکالیست‌ها و ساختارگرایان نیز، با اذعان به ماهیت ناعادلانه سرمایه داری و ریشه داشتن پدیده فقر شهری در سازوکارهای گریزناپذیر سرمایه داری، راه حل اساسی قضیه را در حل ریشه‌ای پدیده و برچیدن بساط سرمایه داری می‌دانند (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۲۰۱). بنابراین آنها نیز حل مسئله را نه در گرو بهبود شرایط زندگی این سکونت‌گاه‌ها بلکه بیشتر در گرو از میان برداشتن عوامل بوجود آورنده آن می‌دانند.

با توجه به طرز نگاه‌ها می‌توان گفت طبق تجربیات دولت‌ها، رها کردن مسئله و همچنین برخورد بولدوزری نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه باعث ناپایداری بیشتر شهرها در ابعاد مختلف می‌گردد. حل ریشه ای نیز هر چند لازم است اما کافی نیست چرا که حل عوامل ساختاری مولد پدیده حاشیه نشینی کاری زمان‌بر است و اگر به همراه آن اصلاح و بهبود وضع اسکان غیر رسمی مورد غفلت واقع شود وخیم شدن اوضاع شهرها و خنثی شدن بسیاری از تلاش‌های ساختاری را در پی خواهد داشت. بنابراین مطمئناً پرداختن به بهبود کیفیت زندگی در این کانون‌های زیستی به هر حال باید در دستور کار باشد. علاوه بر این موارد آنچه که ضرورت پرداختن به ارتقاء کیفیت زندگی و سکونت در اسکانهای غیر رسمی را توجیه می‌سازد نگاه به جنبه‌های مثبت این سکونت‌گاه‌ها است.

در یک نگاه مثبت و منصفانه، اسکان‌های غیررسمی، عامل برجسته تهیه مسکن برای فقرا و شهری می‌باشد؛ بنابراین به این سکونت‌گاه‌ها نایستی به عنوان بخشی از بحران کشوری مسکن، بلکه بایستی به عنوان سهم فقرا، برای حل مسئله خودشان نگریسته شود (داداش پور و علیزاده، ۱۳۸۹، ۲۳) به قول جان ترنر که نوآوران به چنین سکونتگاه‌هایی نظر افکنده و برخی از یاهوهای رایج در باب اجتماعات آلونکی و ساکنان آن را بر ملا ساخته ؛ اسکان غیررسمی، برنامه‌ریزی مسکن تهیدستان در جوامعی است که برنامه‌ریزان آن فرصتی برای ارائه طرحی ناظر بر یافتن سرپناه، آن هم برای فقرا و شهری ندارند (پیران، ۸، ۱۳۸۱). همچنین از جمله توان‌های دیگر این اجتماعات می‌توان



به وجود نیروی انسانی فراوان و جوان اشاره کرد که در صورت کسب دانش و مهارت می‌توانند به سرمایه‌های انسانی تبدیل گردند (صرافی، ۲۶۸، ۱۳۸۲). علاوه بر این ساکنان اسکان‌های غیررسمی با این که در فقر به سر می‌برند، با این حال سهم بالایی در فعالیت اقتصادی شهرها دارند، بطوریکه اگر این افراد کم درآمد دست از فعالیت بکشند، وضعیت اقتصادی شهرها ممکن است دچار مشکل گردد، از طرف دیگر آن‌ها اموال و دارایی زیادی جمع می‌کنند که به شهر نیز تعلق دارد، از این رو مقام‌های محلی باید این دارایی‌ها را به رسمیت بشناسند (جوهری پور، ۱۳۸).

### روش تحقیق

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است. در روش کتابخانه‌ای با مراجعه به کتب و مقالات مرتبط با موضوع مورد بحث به تدوین مبانی نظری پرداخته شده است. علاوه بر این برای شناخت محدوده مورد نظر مراجعه به آمارهای و اسناد موجود صورت گرفته است. در مطالعه میدانی با مراجعه به محدوده مورد مطالعه به گردآوری داده‌های مورد نیاز پرداخته شده است. مهم‌ترین ابزار گردآوری در این روش، پرسشنامه است که سوالات آن بسته می‌باشد. حجم جامعه ۳۵۳۴ خانوار است. حجم نمونه با توجه به جدول حداقل نمونه ادوارز در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۱۳۰ خانوار محاسبه شد. سطح تحلیل نیز سرپرست خانوار می‌باشد. برای تحلیل یافته‌ها از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای در محیط نرم افزار SPSS استفاده شده است. متغیرهای مورد بحث، کیفیت کالبدی-محیطی، اقتصادی و اجتماعی است که هر کدام در قالب شاخص‌های زیر مورد سنجش قرار گرفته است. لازم به ذکر است که در این تحقیق، کیفیت ذهنی ساکنین بر اساس میزان رضایت آنان از ابعاد و شاخص‌های مندرج در جدول شماره یک مورد سنجش قرار می‌گیرد.

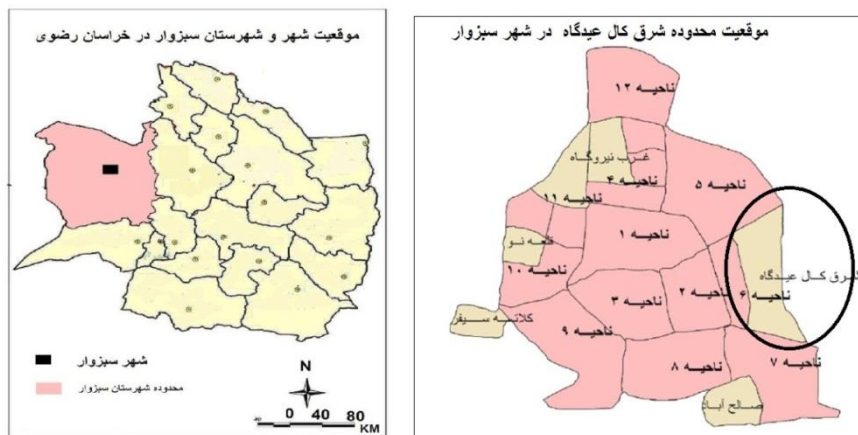
جدول شماره ۱: ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های مورد بررسی در تحقیق حاضر

بعد	مولفه	شاخص
محیطی-کالبدی	کیفیت زیرساخت‌ها	وضعیت پوشش معابر(سفالت یا خاکی بودن)، عرض معابر، وضعیت اهالی محله از لحاظ دسترسی آسان به وسایل حمل و نقل عمومی (اتوبوس شهری، تاکسی و...)، وضعیت محله به لحاظ برخورداری از آب آشامیدنی سالم و بهداشتی و قطعی و دائمی بودن، وضعیت محله به لحاظ برخورداری از برق و قطعی و دائمی بودن، وضعیت محله به لحاظ برخورداری از خطوط تلفن وضعیت محله به لحاظ برخورداری و دسترسی به خدمات مانند (نانوایی، خواربار فروشی و...)، دسترسی به مراکز درمانی وضعیت محله به لحاظ برخورداری از امکانات ورزشی (باشگاه، زمین ورزشی) برای جوانان، وضعیت محله به لحاظ برخورداری از امکانات فرهنگی و هنری (کتابخانه، مسجد)، وضعیت روشنایی معابر، دسترسی به پارک و فضای سبز
	کیفیت محیطی	وضعیت محله از لحاظ برخورداری از شبکه دفع فاضلاب، جمع‌آوری بهداشتی و اصولی زباله، پاکیزگی و نظافت محله، وضعیت مسیل، دفع آبهای سطحی
	کیفیت مسکن	روشنایی و نورگیری خانه، کیفیت مصالح و مقاومت ساختمان، کافی بودن مساحت خانه با توجه به نیاز خانواده، داشتن امکانات لازم (سیستم سرمایشی، گرمایشی، سرویس‌های بهداشتی مثل حمام و توالت)
اجتماعی	امنیت اجتماعی	اطمینان خاطر از رفت و آمد در ساعات پایانی شب داخل محله، اطمینان خاطر از خالی گذاشتن منزل برای مواقعی مثل سفر، دسترسی آسان به پاسگاه و پلیس در مواقع نیاز
	امنیت تصرف	وجود هشدار مبنی بر تخلیه خانه از سوی شهرداری، نگرانی از اینکه شهرداری، محله را به رسمیت نمی‌شناسد و به همین دلیل، خدمات رسانی نمی‌کند، نگرانی از اینکه مسئولین و ادارات از این محله جهت بهبود وضعیت آن حمایت نکنند.
	روابط و همبستگی اجتماعی	وضعیت ساکنین از لحاظ داشتن روحیه کارگروهی و کمک به همدیگر وجود روابط صمیمانه میان خانواده‌ها و همسایگان، مشورت اهالی در امور محله، اعتماد به هم محله‌ای‌ها
	تعلق محله‌ای	میزان تمایل برای ترک محله، میزان احساس رضایت از زندگی در محله
اقتصادی	وضعیت شغلی و درآمدی	رضایت از درآمد، پس انداز و وضعیت شغلی و امید به بهبود شغلی

### معرفی محدوده مطالعاتی

شهر سبزوار، در طول جغرافیایی ۵۷ درجه و ۴۳ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه شمالی، در قسمت غربی استان خراسان رضوی قرار گرفته است. سبزوار دارای ویژگی عمومی اقلیم گرم و خشک با زمستان‌های سرد و نیمه مرطوب و تابستان‌های گرم و خشک می‌باشد (مهندسین مشاور پردازاز، ۱۳۸۸، ۵) و از نظر ژئومورفولوژیکی بر روی مخروطه افکنه قرار گرفته است. جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۰ حدود ۲۳۰ هزار نفر (مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۹۰) بوده است. شهر مزبور مانند بسیاری از شهرهای دیگر کشور با پدیده ی اسکان غیررسمی روبروست؛ بطوریکه حدود ۳۰ هزار نفر از جمعیت آن (پیران، ۱۳۸۷: ۱۷). در ۵ کانون اسکان غیر رسمی شامل صالح آباد، قلعه نو، دهران، کلاته سیفر، شرق کال عیدگاه و غرب نیروگاه جای گرفته است (عنابستانی و عنابستانی، ۱۳۸۹: ۷۰).

در این بین محدوده شرق کال عیدگاه به لحاظ جمعیتی با جای دادن حدود ۱۴ هزار نفر جمعیت در خود به عنوان بزرگترین هسته جمعیتی پیرامون شهر سبزوار محسوب می‌شود. این محدوده شامل سه محله ۲، ۳ و ۴ از ناحیه ۶ شهرداری سبزوار است که از نظر موقعیت در قسمت شرقی شهر سبزوار واقع شده است. محدوده ی مورد نظر از غرب به خیابان چهل متری دوم، از شمال به بلوار دکتر علی شریعتی و از جنوب به خیابان ۲۲ بهمن و جاده دلقند متصل است.



شکل شماره ۲: موقعیت محدوده مورد مطالعه

منبع: نگارندگان

نمای کلی محله با شیب نامناسب در برخی معابر، پوشش نامناسب بسیاری از معابر، جریان فاضلاب درون کوچه و خیابان، وجود مسیل موسوم به کال عیدگاه که به دلیل جریان فاضلاب درون آن چهره‌ای غیربهداشتی به محدوده داده است؛ شناخته می‌شود. از نظر وضعیت کاربری اراضی، فقدان کاربری‌های ورزشی، فرهنگی و بهداشتی و کمبود در تمام کاربری‌های از مسکونی گرفته تا آموزشی و درمانی و...؛ از این محدوده چهره ای محروم ساخته است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۲ و مهندسین مشاور پردازاز ۱۳۸۸). بعد خانوار جمعیت ساکن در محدوده مزبور حدود ۳/۹۸ و نرخ باسوادی آنان ۸۹/۸ درصد می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). نرخ اشتغال در این محدوده

۹۱/۸۵ درصد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) است که نسبت به سطح شهر که ۹۰/۵ است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)، بالاتر می‌باشد. در محدوده شرق کال عیدگاه، تراکم نفر و خانوار در واحد مسکونی حدود ۴/۰۲ نفر و ۱/۰۱ خانوار می‌باشد (مرکز آمار، ۱۳۸۵). کیفیت ساختمان‌های این محدوده، در شرایط نسبتاً خوبی است؛ بطوریکه از ۲۹۲۲ پلاک، ۸۳/۹ درصد قابل نگهداری، ۱۴/۶ درصد مرمتی و فقط ۱/۴ درصد تخریبی است (مهندسين مشاور هفت شهرآریا، ۱۳۸۹: ۲۲).

### یافته‌ها

در این تحقیق برای سنجش سطح کیفیت زندگی ساکنین شرق کال عیدگاه از سوالات ۵ گزینه‌ای از طیف کاملاً موافق تا کاملاً مخالف (طیف لیکرت) استفاده شده است. برای آزمون اینکه سطح کیفیت زندگی افراد در چه حدی است؟ آیا بالاتر از حد متوسط است یا خیر؟ می‌توان از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای استفاده کرد. این آزمون برای مقایسه میانگین‌ها استفاده می‌شود. برای روشن شدن نحوه کار ذکر مراحل زیر می‌تواند مفید باشد:

با توجه به اینکه در پرسشنامه طراحی شده تمامی سوالات جهت مثبت دارند و از طیف لیکرت که طیفی ۵ ارزشی است استفاده شده؛ در تحلیل آماری نیز ۵ ارزش داده شد. عدد ۵ کاملاً موافق، عدد ۴ موافق، عدد ۳ تا حدودی موافق، عدد ۲ مخالف و عدد ۱ کاملاً مخالف. بنابراین میانگین امتیازات عددی بین ۱ تا ۵ است و عدد ۳ به عنوان امتیاز حد متوسط و  $Test Value$  است.

اگر پاسخ افراد طوری باشد که میانگین امتیازات آنها بالاتر از امتیاز حد متوسط باشد و سطح معناداری هم کمتر از ۰.۰۵ باشد در آن صورت گفته می‌شود که سطح آن متغیر به طور معناداری بالاست و بالعکس اگر در سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵ پایین تر از حد متوسط باشد گفته می‌شود که به طور معناداری سطح متغیر بالا تر از حد متوسط است.

### الف) کیفیت محیط اجتماعی

جدول شماره دو ابعاد مختلف کیفیت محیط اجتماعی در محله کال عیدگاه را نشان می‌دهد. طبق این جدول فقط میانگین مولفه‌های امنیت اجتماعی، روابط و همبستگی اجتماعی و تعلق محله‌ای بالاتر از امتیاز حد متوسط (۳) است و از آنجا که این بالاتر بودن در سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵ واقع شده است می‌توان گفت که به طور معناداری این سه مولفه در حد بالایی است. اما امنیت تصرف پایین تر از حد متوسط است. یعنی اکثر پاسخ دهندگان دلهره‌هایی ناشی از هشدارهای شهرداری و نهادها به دلیل ساخت و ساز غیر قانونی حتی در وضع کنونی دارند و افراد از اینکه مسکن خود را از دست بدهند احساس نگرانی دارند. این در حالی است که احساس امنیت تصرف، عنصری کلیدی برای بهسازی و ارتقاء کیفیت زندگی در این سکونت‌گاه‌هاست و اگر قرار باشد با مشارکت مردم شرایط زندگی در این سکونت‌گاه‌ها بهبود یابد باید شرایط امنیت تصرف بهبود یابد.

اما در جمع‌بندی مولفه‌های کیفیت اجتماعی، در کل این بعد کیفیت زندگی به طور معنی داری بالاتر از حد متوسط است. بدین ترتیب این فرضیه که «به نظر می‌رسد سطح کیفیت محیط اجتماعی (امنیت، روابط اجتماعی، تعلق محله‌ای

و...) در محله شرق کال عیدگاه پایین تر از حد متوسط است» تایید نمی‌گردد و این خود بیانگر آن است که بر خلاف برخی ادعاها که سکونت‌گاه‌های غیر رسمی از امنیت کمی برخوردارند، یا روابط اجتماعی و تعلق مکانی ضعیف است، در این محله قضیه متفاوت است. مردم محله احساس امنیت نسبتاً بالایی دارند، روابط اجتماعی، میزان اعتماد به هم تقریباً بالاست و میزان تعلق به محله در اکثر آنها بالاتر از حد متوسط است. همه این نکات مثبت خود سرمایه‌هایی برای توسعه این محله به شمار می‌روند که باید به درستی مورد استفاده قرار گیرد.

جدول شماره ۲: کیفیت محیط اجتماعی در محله شرق کال عیدگاه سبزوار با توجه به پاسخ افراد

بعد	مولفه	میانگین	تفاوت میانگین	سطح معنی داری
کیفیت محیط اجتماعی	امنیت اجتماعی	۳.۲	۰.۲	۰.۰۱
	روابط و همبستگی اجتماعی	۳.۹	۰.۹	۰.۰
	امنیت تصرف	۲.۲۹	-۰.۷۱	۰.۰
	تعلق محله ای	۳.۳۹	۰.۳۹	۰.۰
کیفیت اجتماعی (کل)				
		۳.۲	۰.۲	۰.۰

منبع: یافته‌های تحقیق

#### ب) کیفیت اقتصادی

بر خلاف وضعیت اجتماعی، بعد کیفیت اقتصادی زندگی ساکنین در حد مناسبی نیست. با توجه به پاسخ ساکنین میانگین کیفیت شغلی و درآمدهای آنها، ۲.۳۴ می‌باشد که پایین تر از حد متوسط (۳) است. با توجه به اینکه میانگین حاصله در سطح معنی داری کمتر از ۰.۵ قرار گرفته می‌توان گفت سطح کیفیت زندگی ساکنین به طرز معنی داری پایین تر از حد متوسط است. البته این امر دور از انتظار هم نبود چرا که سکونتگاه غیر رسمی محل تجمع و سکونت فقرا و کم درآمدهای شهری است. البته علاوه بر نظر خود ساکنین در مورد شرایط اقتصادی شان که به صورت کیفی حاصل گشته، رده درآمدی آنها هم کم درآمد بودن آنها را نشان می‌دهد به طوری که بیش از ۹۶ درصد پاسخ دهندگان درآمدی کمتر از ۷۰۰ هزار تومان در ماه دارند.

بنا بر این فرضیه دوم تحت عنوان «به نظر می‌رسد سطح کیفیت اقتصادی خانوارهای ساکن در محله مورد مطالعه پایین تر از حد متوسط است» تایید می‌گردد.

جدول شماره ۳: کیفیت بعد اقتصادی زندگی ساکنین در محله شرق کال عیدگاه سبزوار با توجه به پاسخ افراد

بعد	مولفه	میانگین	تفاوت میانگین	سطح معنی داری
کیفیت محیط اقتصادی	شغل، درآمد و پس انداز	۲.۳۴	-۰.۶۵	۰.۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

#### پ) کیفیت محیطی-کالبدی

با توجه به پاسخ افراد و با توجه به آزمون t تک نمونه ای، کیفیت مسکن (کافی بودن فضا، امکانات، روشنایی و...) در حد مناسبی است. میانگین ۳.۳ که در سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵ واقع شده است نشان می‌دهد که کیفیت مسکن در حد معنی داری بالاتر از حد متوسط است. اما بر خلاف بعد کیفیت مسکن، سایر ابعاد کالبدی-محیطی شرایط مناسبی ندارد. به طوریکه کیفیت دسترسی به زیرساختها به طور معنی داری پایین تر از حد امتیاز متوسط است.

میانگین ۲.۴۸ نشان دهنده این نکته است. همانطور که در بخش معرفی محدوده مورد مطالعه نیز عنوان گردید این محله فاقد کاربری‌های ورزشی، فرهنگی و بهداشتی است و در تمام کاربری‌های دیگر نیز دچار کمبود است. طبق نظر پاسخ دهندگان، کیفیت محیطی (شامل پاکیزگی و نظافت، زباله، فاضلاب، جریان آبهای سطحی، مسیل، سرو صدا و گرد و غبار و...) نیز در این محله پایین تر از حد متوسط است. البته بدون پرسیدن چنین مسئله‌ای هر کس با ورود به این محله می‌تواند به شرایط وخیم محیطی در آن پی ببرد. مخصوصاً مسیل (کال) عیدگاه که فاضلاب در آن رها شده و بوی بسیار نامطلوب همراه با گسترش انواع آلودگی‌ها را مخصوصاً در فصل گرما به همراه دارد این در حالی است که تعداد قابل توجهی از مساکن در حاشیه این مسیل ساخته شده اند و از بوی بد و آلودگی آن در امان نیستند. ضمناً آبهای مصرفی در آشپزخانه منازل نیز عمدتاً در معابر عمومی رها می‌شود و بهداشت محیطی را با مشکل مواجه می‌سازد.

در کل، کیفیت محیطی-کالبدی این محله طبق نظر ساکنین با میانگین ۲.۸۶ و در سطح معنی داری ۰.۰۳ پایین تر از حد متوسط است. مسیل، رها شدن فاضلاب در معابر، خاکی بودن و گلی شدن معابر هنگام بارندگی، آلودگی ناشی از گرد و غبار، فقر شدید در کاربری‌های عمومی همه باعث کاهش سطح کیفیت زندگی از بعد کالبدی و محیطی شده است.

بدین ترتیب فرضیه فرعی سوم تحقیق تحت عنوان «به نظر می‌رسد سطح کیفیت اقتصادی خانوارهای ساکن در محله مورد مطالعه پایین تر از حد متوسط است» نیز تایید می‌گردد.

جدول شماره ۴: کیفیت کالبدی-محیطی در محله شرق کال عیدگاه سبزوار با توجه به پاسخ افراد

بعد	مؤلفه	میانگین	تفاوت میانگین	سطح معنی داری
کیفیت کالبدی-محیطی	زیرساختها	۲.۴۸	-۰.۵۲	0.00
	مسکن	۳.۳	۰.۳	0.002
	کیفیت محیطی	۲.۷	-۰.۳	0.004
کیفیت کالبدی-محیطی (کل)		۲.۸۶	-۰.۱۴	۰.۰۳

منبع: یافته‌های تحقیق

### کیفیت کلی زندگی در محله کال عیدگاه

سطح کیفیت زندگی به طور جداگانه در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی- محیطی در جدول شماره ۵ با توجه به آزمون T Test نمایش داده شده است. با توجه به این جدول کیفیت زندگی فقط در بعد اجتماعی در حد بالاتر از متوسط قرار دارد که این نکته مثبتی است، وجود حس امنیت، تعلق محله‌ای، روابط و اعتماد اجتماعی مناسب همگی باید مورد توجه قرار گیرد. با این حال همانطور که عنوان گردید سطح پایین امنیت تصرف نکته منفی بعد اجتماعی کیفیت زندگی است که می‌تواند روی سایر بخش‌های زندگی تاثیر بگذارد. اما در ابعاد اقتصادی و کالبدی- محیطی وضع به گونه‌ای دیگر است. در این دو بعد کیفیت زندگی پایین تر از حد متوسط می‌باشد. در کل نیز کیفیت زندگی ساکنین این سکونتگاه غیر رسمی پایین تر از حد متوسط است. میانگین نظری ۲.۸ می‌باشد که ۰.۲- امتیاز پایین تر از حد متوسط است و از آنجا که این پایین بودن در سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵ اتفاق افتاده،

می‌توان گفت که سطح کیفیت زندگی به طور معنی داری پایین تر از حد متوسط است. از این رو فرضیه اصلی تحقیق تایید می‌شود.

جدول شماره ۵: کیفیت زندگی در محله شرق کال عیدگاه سبزوار

بعد	میانگین	تفاوت میانگین	سطح معنی داری
اجتماعی	3.2	۰.۲	۰.۰
اقتصادی	2.34	-۰.۶۵	۰.۰۰
کالبدی-محیطی	2.86	-۰.۱۴	۰.۰۳
کیفیت زندگی (کل)	2.8	-۰.۲	۰.۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

### ویژگی‌های فردی و رضایت از کیفیت زندگی

در این قسمت نقش ویژگی‌های فردی در نگرش افراد نسبت به کیفیت زندگی شان مورد بررسی قرار می‌گیرد. همانطو که جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، متغیرهای سن، جنس، سطح سواد، مدت اقامت در محله وضعیت مالکیت (مالک، مستاجر، خانه پدری) رابطه معناداری با کیفیت ذهنی زندگی پاسخگویان وجود ندارد. این نکته را Sig بیشتر از ۰.۰۵ نشان می‌دهد. اما رابطه بین وضعیت اشتغال، نوع شغل و میزان درآمد ماهیانه با متغیر وابسته که کیفیت زندگی است در سطح معناداری آلفا کمتر از ۰.۰۵ قرار دارد؛ که بر این اساس می‌توان رابطه بین این متغیرها با کیفیت زندگی درک شده توسط افراد را معنا دار دانست. یعنی در کل هر چه وضع این شاخص‌های اقتصادی بهتر باشد کیفیت زندگی افراد نیز بهبود می‌یابد. اما وضعیت مالکیت (داشتن سند رسمی، قولنامه یا فاقد سند بودن) رابطه معنادار سطح کیفیت زندگی دارد. به طوری که افراد فاقد سند نسبت به کسانی که قولنامه یا سند رسمی دارند از سطح کیفیت زندگی پایین تری برخوردارند. این به خوبی نقش اهمیت امنیت تصرف در شرایط و کیفیت زندگی افراد را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶: تاثیر ویژگی‌های فردی پاسخگویان در برداشت آنان از کیفیت زندگی شان

متغیر مستقل		ضریب همبستگی پیرسون		ضریب همبستگی لاندا	
سن	جنس	سطح سواد	مدت اقامت در محله	درآمد ماهانه	وضعیت اشتغال (شاغل، بیکار و...)
sig	Value	sig	ضریب	sig	Value
-	-	۰.۱۸۴	-۰.۱۹۹	-	-
۰.۳۱۵	۰.۰۰۸	-	-	۰.۴۲۷	۰.۰۷۱
-	-	۰.۲۸۳	۰.۰۹۶	-	-
-	-	۰.۰۰۳	۰.۲۶**	-	-
۰.۰۰۶	۰.۰۵۶	-	-	-	-
۰.۰۱۸	۰.۰۲۷	-	-	-	-
-	-	۰.۱۳	۰.۲۲	-	-
۰.۱۶	۰.۰۳۲	-	-	-	-

منبع: یافته‌های تحقیق

### نتیجه گیری

اهمیت سنجش کیفیت زندگی و شناخت نسبت به وضعیت آن در ابعاد مختلف می‌تواند برنامه‌ریزان را در جهت بهبود وضعیت یک سکونتگاه کمک کند. مخصوصا اینکه بخش قابل توجهی از این سنجش به سنجش نگرش

ساکنین نسبت به جنبه‌های مختلف زندگی در آن سکونتگاه می‌پردازد و این خود کمک می‌کند تا شرایط سکونتگاه از دید ساکنین سنجیده شود. امری که باعث می‌گردد برنامه‌ها و طرحها با واقعیات و نیازها نزدیکتر شود. در این تحقیق نیز سعی شد با سنجش کیفیت زندگی در سکونتگاه غیر رسمی شرق کال عیدگاه سبزوار در این جهت حرکت شود. در این راستا کیفیت زندگی در سه بعد تنظیم گشت و با گویه‌هایی ۵ طیفی سعی گردید نگرش افراد نسبت به شرایط زندگی و محیط پیرامونشان سنجیده شود. نتایج نشان داد که بر خلاف بسیاری از نوشته‌ها و باورها، در سکونتگاه غیر رسمی شرق کال عیدگاه، در بعد اجتماعی، سطح بالایی از احساس امنیت عمومی، تعلق محله‌ای روابط و اعتماد اجتماعی در ساکنین وجود دارد. در کل سطح کیفیت اجتماعی زندگی در حد بالایی است تنها نکته منفی در بعد اجتماعی، امنیت تصرف پایین است. به طوری که بسیاری از پاسخ دهندگان نگران هشدارها و نیز اقدامات مدیریت شهری در جهت تخلیه و اخراج از مسکن غیر قانونی هستند. با توجه به اهمیت امنیت تصرف در بهسازی و توانمندسازی محله و اجتماع محلی، باید اقداماتی در جهت ایجاد حس امنیت تصرف در ساکنین از سوی مدیریت شهری صورت گیرد چرا که تا زمانی که ساکنین یک سکونتگاه غیر رسمی از این نکته که آنها صاحب مسکن ساخته شده خود خواهند ماند اطمینان پیدا نکنند نمی‌توانند سرمایه گذاری در بهبود وضعیت مسکن خود داشته باشند و یا در بهسازی محله با نهادهای مربوطه مشارکت داشته باشند.

بعد اقتصادی نیز در این تحقیق مورد توجه قرار گرفت، عمدتاً سکونتگاه غیر رسمی مامن و محل سکونت فقرا و کم درآمدی شهری است و در کل سکونتگاه غیررسمی نمودی از فقر شهری است. این امر در محدوده مورد مطالعه نیز صدق می‌کند. طبق پاسخ افراد، سطح کیفیت درآمدی، شغلی و امید به آینده اقتصادی در حد پایینی است. از این رو می‌طلبند که در برنامه‌های توانمندسازی اهمیت خاصی به ایجاد یا افزایش توانمندی اقتصادی افراد از طریق افزایش مهارت شغلی، دسترسی به منابع مالی و... صورت گیرد.

بعد کیفیت کالبدی-محیطی محله نیز همانند بعد اقتصادی در سطح نازلی است. در بین مولفه‌های کالبدی-محیطی فقط کیفیت مسکن است که بالاتر از حد متوسط قرار دارد. از نظر شرایط محیطی وضع محله مخصوصاً در حاشیه کال(مسیل) به شدت وخیم است. انواع آلودگی‌های محیطی سلامت افراد را با مخاطره روبرو می‌کند. همچنین وضع زیرساخت‌ها و خدمات نیز در حد مناسبی نیست و در تمام کاربری‌ها مشکل و کمبود وجود دارد. در کل بعد کالبدی-محیطی پایین‌تر از حد متوسط است.

اما نتیجه دیگری که این تحقیق به دست می‌دهد این است که در بین ویژگی‌های فردی ساکنین، بیشتر وضعیت اقتصادی افراد است که در کیفیت زندگی شان موثر است، وضعیت اشتغال، نوع شغل و درآمد که رابطه‌ای معنادار با کیفیت زندگی افراد دارند و مطمئناً در برنامه‌های توانمندسازی، این مولفه‌ها باید در اولویت قرار گیرد. همچنین وضعیت تصرف و مالکیت نیز تا حد معناداری کیفیت زندگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در مجموع نیز فقر خدمات اجتماعی، وضعیت نامناسب کالبدی و محیطی، فقر و کم درآمدی خانوارها و امنیت تصرف پایین باعث شده که این محدوده سطح کیفیت زندگی پایینی را ارائه نماید و بالتبع نیاز به تدوین برنامه‌ای

همه جانبه برای بهبود سطح کیفی زندگی (اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-محیطی) در این سکونتگاه به شدت احساس شود.

## منابع

ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۸). سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و اسطوره حاشیه نشینی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول، تهران، بهار.

پیران، پرویز (۱۳۸۱). «بازهم در باب اسکان غیررسمی، مورد: شیرآباد زاهدان»، نشریه هفت شهر، شماره نهم و دهم، پاییز و زمستان. پیران، پرویز (۱۳۸۷). «از اسکان غیررسمی تا اسکان نیایی»، نشریه هفت شهر، شماره ۲۳، بهار و تابستان.

جواهری پور، مهرداد (۱۳۸۱). «چالش جهانی فقر شهری»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶. داداش پور، هاشم، علیزاده، بهرام (۱۳۸۹). رابطه بین امنیت تصرف و کیفیت مسکن در سکونتگاه غیررسمی اسلام آباد شهر تهران، دو فصلنامه علمی-پژوهشی هویت شهر، شماره ۷، پاییز و زمستان.

رضوانی، محمدرضا، متکان، علی اکبر، منصوریان، حسین و ستاری، محمد حسین (۱۳۸۸). توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان). مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه ای، سال اول، شماره دوم، پاییز.

رفعیان، مجتبی، امین صالحی، فرزین و تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۹). سنجش کیفیت محیط سکونت در شهرک اکباتان تهران، فصلنامه مدرس علوم انسانی-برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره چهارم، شماره ۴، زمستان.

سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۱). فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه ای، انتشارات دانشگاه شیراز، صرافی، مظفر (۱۳۸۲). «بازنگری ویژگی‌های اسکان خود انگیخته در ایران، در جستجوی راهکارهای توانمندسازی»، مجموعه مقالات سمینار حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، دانشگاه علوم بهزیستی.

علی اکبری، اسماعیل و مهدی امینی (۱۳۸۹). کیفیت زندگی شهری در ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۵). فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶.

عنابستانی، علی اکبر و عنابستانی، زهرا (۱۳۸۹). راهبردهای کالبدی کنترل حاشیه نینی در شهر سبزوار، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۸۹. صص ۸۴-۶۵.

غیاثوند، الهام (۱۳۸۸). تاثیر سرمایه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری، فصلنامه مهندس مشاور، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۸۸.

کوکبی، افشین، محمدرضا پور جعفر و علی اکبر تقوایی (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها، نشریه جستارهای شهرسازی، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۸۴.

لطفی، صدیقه (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی - سال اول، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۸.

محمدی، یاسر و رحیمیان، مهدی (۱۳۸۷). بررسی چالش‌های حاشیه نشینی در شهرستان کوهدشت، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۶، زمستان.

مرکز آمار ایران <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=1828>

مهدیزاده، جواد؛ برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)، تهران: نشر پیام سیما، ۸۵ مهندسین مشاور پردازاز، (۱۳۸۸). طرح توسعه و عمران (جامع) شهر و حوزه نفوذ شهر سبزوار، بررسی و شناخت وضع موجود شهر، جلد اول، تیرماه.



مهندسین مشاور هفت شهر آریا،(۱۳۸۹). ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی و توانمندسازی اجتماعات آنها با تاکید بر بهسازی شهری شهر سبزوار، مرحله‌ی اول، جلد دوم، شرکت عمران و بهسازی، ستاد ملی توانمندسازی.  
هادیزاده بزاز، مریم (۱۳۸۲). حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، انتشارات شهرداری مشهد.  
وزارت مسکن و شهرسازی(۱۳۸۲). طرح تفصیلی شهر سبزوار .

- BALLANTYNE,R AND C. OELOFSE(1999). Informal settlers' perceptions of environmental quality: A case study of the Mizamoyethu Community, South Africa, *The Environmentalist* 19, 203]215
- B.M, Govindaraju(2012). Quality of Life of Slum Women: A Case Study of Mangalore City, *Journal of Economics and Sustainable Development*. Vol.3, No.1,
- Costanza, R. *et. al.* (2008). "An Integrative Approach to Quality of Life Measurement, Research, and Policy". *S.A.P.I.E.N.S.* 1 (1)
- Emer, D.(2008). "what are enabling housing strategies?" a paper from Seminar in Barcelona in April2008. seminar:Are a architects and planners obstacles to slum upgrading ?
- Hardi, Peter and Pinter, Laszlo(2006).City of Winnipeg Quality-of-Life Indicators, Social Indicators Research Series, Volume 28 COMMUNITY QUALITY-OF-LIFE INDICATORS Best Cases II.
- Liu, Kiazhi(2009). " china s urban informal settlements: concepts and sustainability implications, Universitas 21 International Graduate Research Conference.
- Lanrewaju Amao, Funmilayo (2012).Housing Quality in Informal Settlements and Urban Upgrading in Ibadan, Nigeria, *Developing Country Studies*. Vol 2, No.10, 20.
- Oktay, Derya(2010). Measuring The Quality Of Urban Life And Neighbourhood Satisfaction: Findings From Gazimagusa (Famagusta) Area Study, *International Journal Of Social Sciences And Humanity Studies*, Vol 2, No 2, 2010 ISSN: 1309-8063 (Online).
- Richards, Robin, Brian O'leary And Kingstone Mutsonziwa(2007). Measuring Quality Of Life In Informal Settlements In South Africa. *Social Indicators Research* (2007). 81: 375–388
- Robalino, Juan, Roger Madrigal, Luis Hall and Host Institution(2008). Quality of Life in Urban Neighborhoods in Costa Rica, Environment for Development Initiative Costa Rica at CATIE.
- Rojas ,Eduardo (2009). Building cities: neighbourhood upgrading and urban quality of life, David Rockefeller Center for Latin American Studies Harvard University.
- S.Sundari(2003). QUALITY OF LIFE OF MIGRANT HOUSEHOLDS IN URBAN SLUMS, Third International Conference on Environment and Health, Chennai, India, 15-17 December, 2003. Chennai: Department of Geography, University of Madras and Faculty of Environmental Studies, York University. PageS,537-552.
- Taleshi , Mostafa,"(2009). Informal Settlements and Sustainable Urban Development Case study: Metropolis of Mashhad in Northeastern of Iran , *Word Applied Science Journal*. 7(10):1235-1238, ([www.gdrc.org/uem/define-squatter.html](http://www.gdrc.org/uem/define-squatter.html))(*Srinivis*)
- UN-HABITAT(2012). STATE OF THE WORLD'S CITIES 2012/2013 , Prosperity of Cities, Nairobi, Kenya.
- Zeinab Nour-Eddine Tag-Eldeen(2005). Community Participation in Upgrading of Informal Urban Settlements, *STRUCTURES OF VULNERABILITY* Stockholm, January 12-14, 2005

